



روش های تربیت اجتماعی در سیره امام صادق علیه السلام

پدیدآورده (ها) : موسوی، سمیه السادات

علوم اجتماعی :: نامه جامعه :: بهار 1394 - شماره 113

از 121 تا 141

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1119797>

دانلود شده توسط : علیرضا شجاعی

تاریخ دانلود : 02/03/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به [صفحه قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

روش‌های تربیت اجتماعی

در سیره امام صادق (علیه السلام)

سمیه السادات موسوی^۱

چکیده

انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است و برای برقراری روابط صحیح با انسان‌های دیگر، به تربیت اجتماعی نیاز دارد. تربیت اجتماعی هم‌چون سایر زمینه‌های تربیت، دارای مبانی، اصول و اهدافی است که اگر خلاف آن رفتار شود، نه تنها نتایج مطلوب حاصل نمی‌گردد؛ بلکه آسیب‌های فراوانی نیز به دنبال خواهد داشت. روش‌های مختلفی برای اجرای اصول و رسیدن به اهداف تربیت اجتماعی وجود دارد؛ ولی تنها آن مواردی موفق خواهند بود که از طریق شیوه‌ها و فنون مؤثر، دارای خطای کمتر و نتایج قطعی بیشتری باشند. روش‌های برگرفته شده از سیره معصومان (علیهم‌السلام) به سبب مقام عصمت و هدایت‌گری ایشان، این نیاز را به خوبی تأمین می‌کند. در پژوهش حاضر، از میان معصومان (علیهم‌السلام)، بررسی سیره امام صادق (علیه السلام) به دلیل فضای بازتر و فرصت بیشتری که آن حضرت نسبت به سایر ائمه (علیهم‌السلام) در اختیار داشتند، مورد توجه قرار گرفته است. بدین منظور از روش تاریخی - تحلیلی در تبیین داده‌ها استفاده گردید و در نهایت، سه روش اصلی تقویت بینش، تقویت گرایش و تقویت کنش همراه با شیوه‌ها و فنون کاربردی، در قالبی منسجم و در عین حال، ساده و قابل اجرا از سیره ایشان به دست آمد.

واژگان کلیدی: امام صادق (علیه السلام)، سیره، تربیت اجتماعی، روش تربیتی، بینش، گرایش، کنش.

۱. دانش‌آموخته سطح ۳ تعلیم و تربیت و پژوهشگر گروه اخلاق و تربیت جامعه الزهراء (علیها السلام). Smhosna110@gmail.com

مقدمه

در دنیای امروز، هرچند پیشرفت تکنولوژی باعث روانی و آسانی امور شده؛ ولی روابط اجتماعی را پیچیده‌تر و حتی کمرنگ‌تر کرده است. با وجود افزایش اضطراب‌ها و دغدغه‌ها که یکی از پیامدهای زندگی مدرن است، محبت‌ها و نوع‌دوستی‌ها کمتر شده و انسان متمدن امروز، تنها تر از همیشه، از سردی روابط انسانی رنج می‌برد. توجه به تربیت اجتماعی و یادآوری و آموزش اصول روابط صحیح میان فردی، می‌تواند گام مؤثری در جهت بهبود شرایط و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی بیشتر باشد.

هرچند مکاتب فکری و تربیتی، روش‌هایی را جهت اجرای تربیت اجتماعی ارائه داده‌اند؛ ولی، برای موفقیت در این راه، ضروری است از روش‌هایی استفاده شود که کمترین احتمال خطا و اشتباه را داشته باشند. با توجه به این مسئله، مراجعه به سیره معصومان علیهم‌السلام که از مقام عصمت و هدایت‌گری برخوردار بوده‌اند راهگشا خواهد بود. از میان اهل بیت علیهم‌السلام، امام صادق علیه‌السلام به جهت عمر طولانی و پربرکتشان و نیز آزادی نسبی که در خلال انتقال حکومت از بنی‌امیه به بنی‌عباس برایشان حاصل شد توانستند از شیوه‌ها و فنون بیشتر و متنوع‌تری جهت تربیت اجتماعی افراد استفاده کنند.

به‌رغم اهمیت مسئله تربیت اجتماعی، با بررسی منابع، مشاهده می‌شود که در این زمینه کار چندانی صورت نگرفته است و آنچه نگاشته شده، اغلب به بیان آداب معاشرت و توضیح برخی اصول روابط اجتماعی می‌پردازد. بنابراین، پژوهش حاضر به هدف معرفی روش‌هایی منسجم و نظام‌مند و درعین حال، ساده و اجرایی جهت تحقق تربیت اجتماعی، به بررسی سیره امام صادق علیه‌السلام پرداخت و مهم‌ترین سؤالی که در این راستا با آن مواجه گردید آن بود که: «به منظور محقق کردن تربیت اجتماعی، چه روش‌هایی را می‌توان از سیره امام صادق علیه‌السلام بدست آورد؟»

در راستای پاسخگویی به این سؤال، پس از تبیین واژگان اصلی مرتبط با موضوع، روش‌های تربیتی برگرفته شده از سیره امام صادق علیه‌السلام جهت تحقق تربیت اجتماعی، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و برخی شیوه‌ها و فنون اجرای هر روش معرفی خواهند شد.

ذکر این نکته لازم است که نقش تربیتی سیره معصومان علیهم‌السلام دو گونه است: یکی نقش تربیتی عام است؛ به این معنا که هر رفتاری از سوی معصومان علیهم‌السلام، به علت الگو بودن آن بزرگواران،

برای دیگران کارکرد الگوبخشی و آموزشی دارد. دیگری، نقش تربیتی خاص است، به معنای آن که بخشی از رفتار معصومان علیهم‌السلام، افزون بر تأثیر عام تربیتی، به طور ویژه برای اثرگذاری بر رفتار دیگران در فضای ویژه تربیتی صادر شده است. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۵) با توجه به هدف مقاله که معرفی روش‌های تربیت اجتماعی و بیان نمونه‌هایی از اجرای آن‌ها توسط امام صادق علیه‌السلام است، به نظر می‌رسد توجه به نقش تربیتی عام سیره در این مقاله، مقصود را حاصل کند. بنابراین در نمونه‌های بیان شده، حتی اگر امام صادق علیه‌السلام در مقام ارائه شیوه یا فن تربیتی خاصی نباشند، رفتار ایشان چگونگی به‌کارگیری روش‌های پیشنهادی این مقاله را نشان داده و هدف مورد تأمین خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

الف) سیره

«سیره» بر وزن «فَعَلَه» از ماده «سَیَر» گرفته شده و سیر به معنای حرکت و راه رفتن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۸۹) هم‌چنین سیره به معنای روش، سنت، هیئت و حالت نیز آمده است. (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۵۵۹)

سیره در اصطلاح، دارای دو معناست: یکی به معنای «چگونگی و نوع عمل» است که این معنا همه رفتارهای آدمی را شامل می‌شود؛ زیرا هیچ‌فعالیتی بدون حالت خاص تحقق نمی‌یابد. این مفهوم هم شامل رفتارهای خاص و متعین انسان است، از آن نظر که کیفیت و تعینی در کل رفتار اوست و هم بر سیره شخص؛ یعنی بر هر فعالیت و عملکردی که از او سرزده دلالت می‌کند، چه یک‌بار اتفاق بیفتد و چه مکرر و پیوسته باشد.

اما معنای اصطلاحی دیگر سیره، «سبک و قاعده رفتار» است که اخص از معنای اول است و مستلزم تکرار و ادامه رفتار از جانب شخص می‌باشد تا بتوان سبک و قاعده حاکم بر آن را به دست آورد. (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹ و ۱۰)

از آن جا که این مقاله برای معرفی روش‌های تربیت اجتماعی در سیره امام صادق علیه‌السلام، در پی ارائه نمونه‌هایی از شیوه‌ها و فنون اجرای هر روش توسط آن حضرت می‌باشد؛ بنابراین معنای متناسب با این مقصود، معنای اصطلاحی اول، یعنی چگونگی و نوع عمل خواهد بود. که شامل انواع سیره اعم از قولی، فعلی و تقریری می‌شود. از این رو پژوهش حاضر، به دنبال استخراج

سبک یا الگوی خاصی از رفتار حضرت نیست؛ بلکه تنها با تطبیق روش‌ها بر سیره حضرت، چگونگی اجرای آن‌ها را در رفتار عملی ایشان نشان می‌دهد.

ب) روش

روش در لغت به معنای رفتار، طرز رفتن، طرز حرکت، رسم و عادت می‌باشد. (عمید، ۱۳۶۳، ذیل واژه رفتن) در اصطلاح علوم تربیتی نیز روش به مجموعه اموری اطلاق می‌شود که انسان برای رسیدن به هدف و انجام کار مورد نظر، به صورت قاعده‌مند و بسامان پی می‌نهد. روش، مفهومی راهبردی است که نحوه عمل را ترسیم می‌کند و مراحل و چگونگی پیمودن آن‌ها را برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر معلوم می‌دارد. برای هر روش، شیوه‌ها و فنون ویژه‌ای وجود دارد که با نوع روش و رویکرد مسبوق به آن سازگار است. (رفیعی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۶۷) چنان‌که مشاهده می‌شود در این تعریف، شیوه و فن به عنوان اجزای روش معرفی شده‌اند که هر یک دارای معنای اصطلاحی مخصوص به خود هستند و برای دریافت معنا و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر، می‌بایست توضیحی در خصوص آن‌ها ارائه گردد. شیوه‌های تربیتی، نمونه‌های رفتاری هستند که عمل و پای‌بندی به آن‌ها موجب تحقق روش‌ها می‌شود و «فن»، ابزار و وسیله‌ای است که به کمک آن، شیوه‌های تربیتی اعمال و اجرا می‌شود تا در نهایت، روش تربیتی تحقق یابد و از آن طریق، به هدف برسیم. (رفیعی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۶۷) با توجه به آنچه بیان شد، روش‌ها، راهکارهایی هستند که به واسطه به‌کارگیری شیوه‌ها و فنون، اجرایی می‌شوند. لازم به ذکر است با توجه به معنای ارائه شده از «سیره» و «روش»، هر دو در مفهوم «نحوه و چگونگی عمل و استمرار آن» مشترک هستند. بنابراین، نمونه‌های ارائه شده در این مقاله در واقع، نمونه‌های عملی از روش‌های معرفی شده برای تربیت اجتماعی هستند و به یک معنا می‌توان گفت این روش‌ها و سیره‌ها هر دو در راستای معرفی و نمایاندن چگونگی انتقال روش‌های تربیت اجتماعی توسط مربی می‌باشند.

ج) تربیت اجتماعی

در تعریف تربیت اجتماعی آمده است: «تربیت اجتماعی عبارت است از تأمین تمهیدات لازم جهت متجلی ساختن ارزش‌ها و ضوابط مطلوب اجتماعی در فرد به منظور مؤثر بودن او در برخورد‌های اجتماعی اعم از هدایت دیگران، مخالفت با نظرات غیرمنطقی، توافق و سازگاری و امور مانند آن‌ها». (ایمانی، ۱۳۶۶، ص ۳۱)

باید توجه داشت منظور از تربیت اجتماعی صرفاً، آن نیست که فرد در هر اجتماعی خود را با آن اجتماع سازگار کند؛ بلکه مراد این است که فرد، نحوه صحیح برقراری روابط با دیگران را بیاموزد و رفتار درست را مطابق با اصول و معیارهای برگرفته شده از شرع و عقل در ارتباط با دیگران به کار بندد. به عبارت دیگر، فرد آمادگی قبول مسئولیت در قبال سایر افراد جامعه را پیدا کند. بنابراین، با توجه به هدف تربیت اجتماعی و معیارهای دستیابی به آن، می توان گفت: «تربیت اجتماعی عبارت است از به کارگیری روش های منسجم و هدفمند بر اساس مبانی و اصول تعیین شده توسط عقل و شرع، به منظور تحقق رشد مطلوب اجتماعی و برقراری مناسبات صحیح انسانی».

پس از تبیین مفاهیم اصلی، به معرفی روش های تربیت اجتماعی می پردازیم. کارشناسان معتقدند چنان چه مربی بخواهد نوعی رفتار اختیاری را در مربی ایجاد یا تقویت کند، ابتدا باید بینشی مناسب نسبت به آن رفتار به مربی بدهد، سپس میل و انگیزه او را نسبت به آن رفتار به اندازه کافی تحریک و تقویت کند و آن گاه برای تأثیرگذاری بر اراده او در تحقق بخشیدن به آن رفتار، به مربی کمک کند تا توانمندی های خود را به کار گیرد. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۳۶۱)

با توجه به آن چه بیان شد، در بررسی سیره تربیتی امام صادق (علیه السلام) مشاهده می شود که ایشان در رابطه با روابط صحیح اجتماعی، توجه خاصی به ساحت های وجودی انسان، یعنی شناخت، عاطفه و رفتار داشته و از شیوه های مختلفی برای تقویت هر یک از آن ها استفاده کرده است. بنابراین، تقویت سه ساحت بینش، گرایش و کنش، می توانند بستری برای اجرای روش های تربیت اجتماعی در نظر گرفته شوند که هر یک دارای شیوه ها و فنونی برای اجرا می باشند.

تقویت شناخت و بینش

بُعد شناختی، شامل اطلاعاتی است که شخص از موضوع مورد نظر دارد. از نقطه نظر روان شناسان انگیزشی، شناخت، بر فرایندهای ذهنی به عنوان عوامل تعیین کننده علی برای عمل کردن، تأثیرگذار است. به عبارت دیگر، شناخت و بینش، عامل اصلی رفتار می باشد. (ریو، ۱۳۸۰، ص ۱۸۱) از دیدگاه اسلام نیز این نظر پذیرفته شده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَتَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَ مَنْ عَمِلَ عَمِلَ؛ علم و عمل به هم بسته شده اند؛ بنابراین، هر کس بداند عمل کند و هر که عمل کند، بداند». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۴)

با مراجعه به سیره و سخنان امام صادق (علیه السلام) به روشنی ملاحظه می‌شود که ایشان تلاش گسترده‌ای جهت ارائه شناخت و بینش صحیح در مورد روابط اجتماعی به‌کار بسته است. ایشان پیش از هر توصیه و تشویقی، سعی کرده است نخست، زمینه‌های شناختی مناسب را به وجود آورد و افراد طوری تربیت شوند که بتوانند درک کنند هر تشویق و تحذیر یا هر امر و نهی از جانب دین، در جهت حفظ مصالح آن‌هاست. با چنین تربیتی در واقع افراد از درون آمادگی پذیرش این اوامر و نواهی را پیدا می‌کنند و مبنای صدور آن‌ها را در می‌یابند و بر این اساس، پای بندی به اوامر و نواهی برای آنان آسان می‌شود. در ادامه به معرفی برخی شیوه‌های تربیتی برگرفته از سیره امام (علیه السلام) برای تقویت بینش افراد در خصوص روابط صحیح اجتماعی می‌پردازیم.

۱- آموزش اصول و معیارهای روابط اجتماعی

افراد بسیاری مایلند در نحوه ارتباط با هم‌نوعان خویش، به خوبی عمل کنند؛ ولی به جهت ناآگاهی از چگونگی آداب معاشرت و نیز عدم رعایت این آداب، توانایی برقراری روابط مناسب و اسلامی را از دست می‌دهند و به ناچار منزوی می‌شوند. بنابراین، شناخت این آداب در مرحله عمل و توانایی ایجاد ارتباط مناسب با قشرهای مختلف جامعه براساس بینش مکتبی از اهمیت بسیاری برخوردار است. (مقدس‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۶)

در میان سیره و سخنان امام صادق (علیه السلام)، موارد متعددی در رابطه با معرفی و توضیح انواع روابط اجتماعی و اصول حاکم بر آن‌ها به چشم می‌خورد. این تبیین‌ها در بالا رفتن آگاهی افراد نسبت به اهمیت مسئله روابط اجتماعی صحیح و چگونگی عمل به آن‌ها تأثیر زیادی دارد؛ برای مثال ایشان در بیان نحوه پذیرایی از میهمان به عنوان یک رفتار پسندیده اجتماعی می‌فرماید: «لَا تَقُلْ لِإِخِيكَ إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ أَكَلْتَ الْيَوْمَ شَيْئاً وَ لَكِنَّ قَرِيبَ إِلَيْهِ مَا عِنْدَكَ؛ به برادرت که بر تو وارد شده است نگو: آیا امروز چیزی خورده‌ای؟ بلکه هرچه خوردنی داری، نزد او بیاور». (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۲، ص ۴۵۵)

هم‌چنین مفضل بن فرید برادر شعیب کاتب، نقل کرده است: نزد امام صادق (علیه السلام) رفتم و مأمور بودم که جوآئزی به بنی‌هاشم بدهم. آن حضرت بالای سرم ایستاده بود، در حالی که من متوجه نبودم. [وقتی متوجه حضور حضرت شدم] از جا پریدم. حضرت از من در مورد آن چه به آن مأمور شده بودم، پرسید و من فهرست جوآئز را به آن حضرت نشان دادم. امام (علیه السلام) فرمود: «در این جا

برای اسماعیل چیزی نینم». گفتم: همین فهرست به دست ما داده شده. سپس به آن حضرت گفتم: قربانت گردم، می بینی چه جایگاهی نزد این قوم دارم. ایشان به من فرمود: «بیا آن چه به دستت می رسد به یارانت برگردان؛ زیرا خداوند عزوجل فرماید: ﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ به درستی که نیکی ها بدی ها را می برند. (هود: ۱۱۴) (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۱۹۸) چنان که در این سیره مشاهده می شود، امام علیه السلام به فردی که امکاناتی در اختیار داشته می آموزد که از جایگاه خود برای کمک و یاری به دیگران استفاده کند و اموالی را که به دستش می رسد، به یارانش باز گرداند.

۲- تبیین فلسفه رفتارهای مثبت اجتماعی

یکی از شیوه های امام صادق علیه السلام در افزایش بینش و آگاهی افراد نسبت به رفتارهای اجتماعی، توضیح فلسفه و حکمت آن ها می باشد. توضیح چرایی و علت دستورها و قوانین، یکی از راه های تسهیل عمل به آن هاست. تجربه نشان داده است وقتی افراد با فلسفه یک مسئله آشنا می شوند و نسبت به حکمت و فواید آن شناخت پیدا می کنند، تمایل بیشتری برای انجام آن از خود نشان می دهند. از این رو، مشاهده می شود امام علیه السلام در مورد دلیل رعایت انواع اصول و آداب اجتماعی به صورت جزئی و موردی، روایات متعددی بیان فرموده اند؛ برای مثال حضرت در توضیح علت لزوم تعجیل در برآوردن نیاز حاجتمندان که یکی از مصادیق حمایت اجتماعی است، می فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لَيَسْأَلُنِي الْحَاجَةَ فَأُبَادِرُ بِقَضَائِهَا مَخَافَةَ أَنْ يَسْتَعْتِبَ عَنْهَا فَلَا يَجِدَ لَهَا مَوْقِعًا إِذَا جَاءَتْهُ؛ فردی که از من حاجتی می طلبد، من به رفع نیاز و انجام کار او سرعت می گیرم؛ زیرا خوف آن دارم که وی بی نیاز شود و من دیر برسم و حاجتش از طریق دیگری روا شده باشد.» (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۱۷۹)

نمونه دیگر از آگاهی بخشی امام صادق علیه السلام در راستای تقویت بینش افراد، بیان فلسفه خوب حرف زدن با عموم مردم است که به اصل اجتماعی حفظ کرامت انسانی افراد باز می گردد. ایشان می فرماید: «آیة﴾ (وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا﴾؛ یعنی این که [مؤمن باید] با همه مردم اعم از مؤمن و مخالف خوب صحبت کند؛ اما مؤمنان را با روی خوش [خطاب قرار دهد] و با مخالفان با مدارا سخن بگوید تا به ایمان جذب شوند؛ زیرا با کمتر از این هم می تواند شرآن ها را از خود برادران مؤمنش دفع کند». (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۷۲، ص ۴۰)

۳- بحث و گفت‌وگو درباره بایدها و نبایدهای روابط اجتماعی

از شیوه‌های دیگری که امام صادق (علیه السلام) برای تقویت بینش افراد به‌کار می‌گرفت، برقراری بحث و گفت‌وگو در رابطه با بایسته‌های روابط اجتماعی به شکل پرسش و پاسخ بود. پرسش و پاسخ، یکی از بهترین و با ارزش‌ترین فنون بالا بردن شناخت و آگاهی افراد می‌باشد؛ چرا که هم‌زمان با دریافت اطلاعات، روحیه تفکر و استدلال نیز در آن‌ها تقویت می‌شود؛ از این رو ملاحظه می‌شود امام گاهی مسائل را به گونه‌ای مطرح می‌کرد که در ذهن‌ها سؤال ایجاد شود؛ سپس به پرسش‌های افراد پاسخ می‌داد.

برای مثال، وقتی یکی از یاران امام (علیه السلام) به نام حسین بن نعیم صحاف در ضمن گفت‌وگو با امام در رابطه با دوستی با برادران دینی و اطعام ایشان عرض می‌کند: غذا نمی‌خورم، مگر این که دو یا سه تن از ایشان - یا کمتر و بیشتر - نزد من باشند (و با هم غذا بخوریم). امام (علیه السلام) به او می‌فرماید: «أَمَا فَضْلُهُمْ عَلَيْكَ أَكْبَرُ مِنْ فَضْلِكَ عَلَيْهِمْ؛ متوجه باش! که لطف ایشان نسبت به تو بیش از لطف تو به ایشان است». این سخن امام (علیه السلام) در ذهن او سؤال ایجاد کرده و می‌پرسد: «فدایت شوم، خوراک خود را به ایشان می‌خورانم و خانه خویش را برای پذیرایی از آنان آماده می‌سازم، با وجود این، لطف آنان بیش از من است؟ حضرت در پاسخ او می‌فرماید: «نَعَمْ، إِنَّهُمْ إِذَا دَخَلُوا مَنزِلَكَ دَخَلُوا مَغْفِرَتِكَ وَ مَغْفِرَةَ عِيَالِكَ وَ إِذَا خَرَجُوا مِنْ مَنزِلِكَ خَرَجُوا بِذُنُوبِكَ وَ ذُنُوبِ عِيَالِكَ؛ آری، زیرا آنان هنگامی که به خانه تو وارد می‌شوند، آمرزش تو و خانواده‌ات را با خود می‌آورند و هنگامی که بیرون می‌روند، گناهان تو و خانواده‌ات را بیرون می‌برند» (نوری، ۱۴۰۹ق، ج ۲۴، ص ۳۰۵)

نمونه دیگر استفاده امام (علیه السلام) از این روش، در موضوع «عیادت از بیمار» است. ایشان در جمعی فرمود: «يَتَبَغَىٰ لِلْمَرِيضِ مِنْكُمْ أَنْ يُؤَدِّنَ إِخْوَانَهُ بِمَرَضِهِ فَيَعُودُونَهُ وَ يُؤَجِّرُ فِيهِمْ وَ يُؤَجِّرُونَ فِيهِ؛ شایسته است که بیمار به برادران مؤمنش اجازه دهد که در بیماری عیادتش کنند تا او و آن‌ها اجر ببرند». از ایشان پرسیدند: «عیادت‌کنندگان به واسطه عیادت اجر می‌برند، مریض چگونه اجر می‌برد؟». حضرت در پاسخ فرمود: «بَاكْتِسَابِهِ لَهُمُ الْحَسَنَاتُ فَيُؤَجِّرُ فِيهِمْ فَيَكْتَسِبُ لَهُ بِذَلِكَ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَ يُحِطُّ عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ؛ اجازه موجب می‌شود که عیادت‌کنندگان با عیادت، کسب حسنه کنند و از این راه اجر می‌برد و از این رو ده حسنه برایش نوشته می‌شود و ده درجه بالا می‌رود و ده گناه از او برطرف می‌شود». (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۳۶۰)

همان طور که در هر دو نمونه مشاهده شد، امام صادق علیه السلام در رابطه با موضوع مورد بحث، جمله‌ای بیان فرمود که ذهن مخاطب را با خود درگیر کرد و او را وادار به پرسش و جستجو برای دریافت پاسخ نمود.

تقویت عاطفه و گرایش

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَالْعِلْمُ يَهْتِفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَ إِلَّا اَزْتَحَلَ؛ علم، عمل را صدا می‌زند؛ اگر پاسخش را داد، می‌ماند و گرنه می‌رود». (طبرسی، ۱۳۸۵، ق، ص ۱۳۹) از این حدیث فهمیده می‌شود که شناخت، گرچه رکن اولیه و اساسی عمل است، اما به تنهایی کافی نیست؛ بلکه برای تحقق عمل به مؤلفه‌های دیگری نیز نیاز است.

گاهی مشاهده می‌شود برخی افراد از اندیشه نیرومندی برخوردارند، اما رفتار آن‌ها با علم و آگاهی‌شان هم‌نوا و سازگار نیست، چرا که اندیشه، خود به تنهایی چیزی بیش از یک زمینه نیست که می‌تواند در ترکیب با سایر عوامل شکل دهنده رفتار مؤثر باشد. (رزاقی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳) یکی از مهم‌ترین این عوامل که در ادامه مورد بررسی قرار می‌گیرد، عامل عاطفی و گرایشی می‌باشد. جزء احساسی و عاطفی وجود انسان، شامل ارزشیابی‌های فرد از موضوع مورد نظر است؛ به این معنا که شیء یا شخصی برای انسان «خوشایند» یا «ناخوشایند»، «خوب» یا «بد» و مواردی از این قبیل است. (کریمی، ۱۳۷۹، ص ۲۵) در واقع گرایش انسان، همان تمایل و انگیزه‌ای است که او را به انجام کاری وا می‌دارد.

در منابع دینی نیز به نقش تأثیرگذار گرایش و عاطفه در عملکرد انسان توجه شده است. به عنوان نمونه در قرآن کریم آمده است: «أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَصْلَهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ» (جاثیه: ۲۳)؛ آیا دیدی کسی را که میل و خواست نفسانی‌اش را معبود خود قرار داد و در نتیجه، خداوند نیز او را با وجود آگاهی و دانشی که داشت گمراه کرد. از این آیه به خوبی استفاده می‌شود که ممکن است شناخت‌های صحیح انسان در نتیجه پیروی از تمایلات و انگیزه‌های منفی، تضعیف و به فراموشی سپرده شود؛ به این معنا که ممکن است فرد اطلاعات مربوط به یک موضوع را فراموش کند، ولی احساس خوشایند یا ناخوشایندی که نسبت به آن موضوع داشته، هم‌چنان در وجودش باقی بماند و تعیین‌کننده انگیزه و تمایل او نسبت به انجام یا ترک یک رفتار گردد. این مسئله، نشان‌دهنده آن است که نقش احساس و عاطفه در بروز یک رفتار،

بادوام تر و اصلی تر از عنصر شناختی است.

با توجه به اهمیت نقش عاطفه و گرایش در رفتار، ملاحظه می‌شود که در سیره امام صادق (علیه السلام) شیوه‌های مختلفی جهت تقویت تمایل درونی افراد نسبت به برقراری روابط صحیح اجتماعی وجود دارد.

۱- تحریک انگیزه‌های ایمانی

عواطف می‌توانند از ارزش‌های افراد مانند باورهای اخلاقی یا دینی آنان ناشی شوند. (کریمی، ۱۳۷۹، ص ۲۲) از آن‌جا که انسان فطرتاً برای قدرت، به ویژه قدرتی که دارای نعمت و کرامت است، اهمیت و احترام فراوانی قائل است بنابراین احترام به مصدر قدرت، یعنی خداوند دانا و توانا انگیزه بسیار نیرومندی برای انجام دادن دستورهای او فراهم می‌آورد. (پارسا، ۱۳۷۶، ص ۱۹۲) هدف از به‌کارگیری این شیوه، ایجاد یک جنبش درونی حاصل از احساس مسئولیت و تکلیف است. وجود این الزام باطنی، سبب می‌شود که افراد رفتارهای مدنظر مربی را - هرچند برایشان سخت باشد - بپذیرند و به ظهور برسانند و حتی برای رفع موانع آن اقدام نمایند. بنابراین، تحریک انگیزه‌های ایمانی (از طریق تبیین سیستم پاداش و مجازات عمل) یکی از مهم‌ترین و ثمربخش‌ترین شیوه‌های اجرای روش تقویت گرایش می‌باشد.

این مسئله در رابطه با مسائل اجتماعی، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا اغلب رفتارهای مثبت اجتماعی، نیاز به نوعی ایثار و فداکاری دارد که انگیزه‌های ایمانی، می‌توانند مهم‌ترین محرک آن‌ها به حساب آیند.

در سیره امام صادق (علیه السلام) موارد متعددی وجود دارد که امام (علیه السلام) با مورد توجه قراردادن اعتقادات دینی افراد، ایشان را به انجام یا ترک رفتاری فرا می‌خواند؛ به عنوان مثال، حضرت برای تشویق مؤمنان به حمایت از محرومان می‌فرماید: «مَا قَصَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ عَلَى تَوَابِكِ وَلَا أَرْضَى لَكَ بِدُونِ الْحِجَّةِ؛ هیچ مسلمانی حاجت مسلمانی را بر نمی‌آورد، مگر این که خداوند او را ندا می‌کند که پاداش تو بر من است و من برای تو به چیزی جز بهشت راضی نیستم».

(کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۹۴)

هم‌چنین برای تشویق به رعایت اصل برادری و مهرورزی، می‌فرماید: «مَنْ نَفَسَ عَنْ مُؤْمِنٍ كُرْبَةً نَفَسَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَ الْآخِرَةِ وَ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ وَ هُوَ تَلِجُ الْفُؤَادِ وَ مَنْ أَطْعَمَهُ مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِثْرَ الْجَنَّةِ وَ مَنْ سَقَاهُ شَرْبَةً مَاءٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ؛ هر کس اندوهی را از دل مؤمنی بردارد،

خداوند اندوه‌های آخرت را از او برمی‌دارد و او را با دلی آرام از قبر برمی‌انگیزد و هر کس مؤمنی را غذا دهد و او را سیر کند، خداوند از میوه‌های بهشت به او می‌خوراند و هر کس به جرعه آبی او را سیراب کند، خداوند او را از شربت مُهرشده بهشتی سیراب می‌گرداند». (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۹)

بیان چنین پاداش‌هایی برای رفتارهای مطلوب اجتماعی، بی‌تردید برای اهل ایمان دارای اثر انگیزی بوده و ایشان را در رعایت هرچه بیشتر و بهتر اصول روابط اجتماعی تحریک و تشویق می‌کند.

گاهی امام صادق (علیه السلام) برای تحریک انگیزه‌های ایمانی افراد، به ویژه جهت ترک رفتارهای نادرست اجتماعی، باطن و چهرهٔ پلید آن رفتارها را نزد خداوند بیان می‌کرد یا نسبت به عواقب معنوی و اخروی آن‌ها هشدار می‌داد؛ زیرا با توجه به ایمان و اعتقادات فرد، این توصیفات موجب می‌شود در مرتبه نسبت به رفتارهای ناپسند اجتماعی، نفرت و کراهت ایجاد شود و در او انگیزه‌ای قوی جهت ترک آن‌ها به وجود آید؛ برای مثال، به منظور تحریک ایمان افراد برای رعایت کرامت انسان‌ها، حضرت به بیان بزرگی گناه «خوار کردن مؤمن» نزد خداوند پرداخته و می‌فرماید: «قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَأْذَنَ بِحَرْبٍ مِنِّي مَنْ أَذَلَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ وَ لِيَأْمَنَ غَضِي مَنْ أَكْرَمَ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ؛ خداوند بزرگ فرموده است کسی که بنده مؤمن مرا خوار گرداند، بداند که با جنگی بزرگ از سوی من رو به رو شده است و کسی که بنده مؤمن مرا گرامی دارد، از خشم من در امان خواهد بود». (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۲۶۹)

هم‌چنین جهت تبیین لزوم پای‌بندی به اصل اجتماعی مقابله با مستکبران، در حدیثی می‌فرماید: «وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ خَصَّ لِصَاحِبِ سُلْطَانٍ أَوْ مَنْ يَخَالِفُهُ عَلَى دِينِهِ طَالِبًا مَاتَ فِي يَدَيْهِ أَحَلَّهُ اللَّهُ وَمَقْتَهُ وَ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ إِنْ هُوَ غَلَبَ عَلَى شَيْءٍ مِنْ دُنْيَاهُ وَ صَارَ فِي يَدِهِ مِنْهُ شَيْءٌ نَزَعَ اللَّهُ الْبَرَكَتَةَ مِنْهُ وَ لَمْ يُؤْجِرْهُ عَلَى شَيْءٍ يُنْفِقُهُ فِي حَجٍّ وَ لَا عُمْرَةٍ وَ لَا عِتْقٍ؛ بدانید که هر مؤمنی در برابر زورمندی یا کسی که با دین وی مخالف است به طمع مال او فروتنی کند، خداوند او را گننام می‌سازد و براین کار بر او خشم می‌گیرد، و او را به همان کس واگذار می‌کند و اگر از این رهگذر به چیزی از دنیا دست یافت و مالی در دستش قرار گرفت، خداوند برکت را از آن می‌برد، و چنان‌چه چیزی از آن را به مصرف حج یا عمره و یا آزاد کردن برده رسانید، خدا به او پاداش نخواهد داد». (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۰۰)

۲- معرفی الگو

مراد از شیوه معرفی الگو آن است که مربی افزون بر این که خود، یک الگوی شایسته برای متربی است، می‌بایست تلاش کند نمونه‌های دیگری از رفتار و کردار مطلوب اجتماعی را به متربی معرفی کند.

در تربیت اسلامی، بیان سیره بزرگان دین و شخصیت‌های بلند مرتبه‌ای که جایگاه ویژه‌ای نزد مسلمانان دارند، می‌تواند الگوهای مناسبی در اختیار متربیان قرار دهد. ارائه الگو در تربیت اجتماعی از این جهت اهمیت دارد که متربی متوجه چگونگی رفتار در سیره بزرگان شده و با جزئیات و ظرافت‌هایی که در اجرای آن‌ها وجود دارد آشنا می‌شود؛ لذا نه تنها به چگونگی برقراری روابط صحیح اجتماعی، بلکه به شرایط تحقق آن و تأثیراتی که بر دیگران بر جای می‌گذارد، پی می‌برد. از سوی دیگر، آشنا شدن با سیره اجتماعی بزرگان و زیبایی‌های آن، موجب می‌شود در متربی گرایش و انگیزه اقدام به رفتارهای مثبت اجتماعی ایجاد و تقویت شود.

امام صادق علیه السلام با توجه به جایگاه مهمی که بزرگان دین و شخصیت‌های مذهبی در میان مردم داشتند، به مناسبت‌های مختلف از چگونگی سیره و نظر ایشان در رابطه با رفتارهای اجتماعی سخن می‌گفت و از طریق علاقه و محبت افراد به این شخصیت‌ها، ایشان را به الگوگیری از رفتار آن بزرگواران تشویق می‌نمود؛ برای مثال، نقل شده است که میهمانی نزد امام صادق علیه السلام بود روزی برخاست تا کاری انجام دهد، امام علیه السلام اجازه نداد و خود، آن کار را انجام داد و فرمود: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَنْ يُسْتَخْدَمَ الضَّيْفُ؛ رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از به خدمت گرفتن میهمان، نهی کرد». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱۲، ص ۳۶۶)

هم‌چنین ایشان، اهمیت حمایت از محرومان و مقابله با مستکبران را ضمن بیان داستانی از حضرت عیسی علیه السلام چنین گوشزد کرد: «أَنَّ عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَرَادَ وِدَاعَ أَصْحَابِهِ جَمَعَهُمْ وَ أَمَرَهُمْ بِضَعْفَاءِ الخَلْقِ وَ مَهَاهُمْ عَنِ الجُبَابِرَةِ؛ هنگامی که عیسی علیه السلام می‌خواست با اصحاب خود وداع کند، ایشان را جمع کرد و آنان را به توجه به مردم ناتوان فرمان داد و از نزدیکی به جباران و گردنکشان نهی کرد». (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۱۴، ص ۲۵۲)

امام صادق علیه السلام می‌توانست در ضمن یک حدیث مستقل، به لزوم توجه به ناتوانان و مقابله با مستکبران سفارش کنند؛ چنان‌که در میان احادیث ایشان چنین توصیه‌هایی موجود است، ولی به جهت تأثیرگذاری جایگاه حضرت عیسی علیه السلام به عنوان یک الگوی الهی برای مسلمانان با

نقل سخن از جانب ایشان، از این ظرفیت، جهت ایجاد انگیزه در مخاطبان بهره برد.

۳- برخورد محبت‌آمیز

شیوه دیگری که از سیره امام صادق علیه السلام جهت تقویت گرایش و انگیزه به دست می‌آید، برخورد محبت‌آمیز با افراد است. محبت باعث می‌شود انسان نسبت به شخص محبت‌کننده علاقه پیدا کند و او را دوست بدارد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «بِلَيْنِ الْجَانِبِ تَأْنِسُ النَّفْسُ؛ بر اثر نرم‌خویی، دیگران با انسان مانوس می‌شوند». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۰)

در بحث تربیت، اگر محبت از سوی مربی باشد، سبب می‌شود تأثیرگذاری او افزایش یابد و سریع‌تر به اهداف تربیتی خود دست یابد؛ زیرا قلب انسان به هر کس علاقه‌مند گردد، امکان پذیرش و پیروی و همانندسازی از او بیشتر خواهد شد. خداوند در قرآن به این حقیقت که اثر طبیعی محبت، پیروی از دستورات و خواسته‌های محبوب است اشاره کرده و می‌فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (آل عمران: ۳۱)؛ بگو اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد.

تحقیقات علمی نیز این مطلب را تأیید می‌کند. تیلور در کتابش با نام *روانشناسی اجتماعی* می‌نویسد: «از آن‌جا که انسان‌ها سعی می‌کنند شناخت‌هایشان با احساساتشان هماهنگ باشد، نگرش خود را به احتمال زیاد بر حسب نگرش‌های کسانی که دوست دارند تغییر می‌دهند». (داودی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۱۲۰)

در سیره امام صادق علیه السلام نمونه‌های زیبایی از برخورد محبت‌آمیز حضرت با یاران به چشم می‌خورد؛ از جمله عقبه بن خالد می‌گوید: من و معلی و عثمان بن عمران خدمت امام صادق علیه السلام رسیدیم، وقتی حضرت ما را دید فرمود: «مرحبا، مرحبا بر شما! صورت‌هایی که ما را دوست دارند و ما دوستشان داریم. خداوند شما را در دنیا و آخرت همراه ما قرار دهد!» عثمان عرض کرد: فدایت شوم! حضرت فرمود: «بله! سؤال چیست؟» عثمان گفت: من مردی بی‌نیاز هستم. حضرت فرمود: «خدا در این بی‌نیازی به تو برکت عطا کند.» عثمان ادامه داد: شخصی می‌آید و از من گدایی می‌کند، در حالی که وقت پرداخت زکات من فرا نرسیده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «قرض، نزد ما هجده حسنه دارد، اما صدقه تنها ده حسنه و اگر مرد بی‌نیازی هستی؛ پس چرا به او قرض نمی‌دهی تا هنگامی که زمان پرداخت زکات رسید آن را از زکات حساب کنی؟ ای عثمان! آن سائل را رد مکن که اگر این کار را بکنی، نزد خدا گناه بزرگی مرتکب شده‌ای.

ای عثمان! اگر جایگاه مؤمن را نزد پروردگار می‌دانستی، هرگز در برآورده کردن نیاز او کوتاهی نمی‌کردی. کسی که مؤمنی را خوشنود و مسرور سازد، گویی پیامبر ﷺ را شادمان ساخته». (نوری، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۹۳)

چنان‌که مشاهده شد، این گفت‌وگو سرشار از محبت بود و امام (علیه السلام) چقدر دلنشین به یارانش ابراز علاقه کرد. به طور حتم توصیه‌هایی که پس از این برخورد محبت‌آمیز بیان شود، در عمق جان می‌نشیند و انگیزه‌ای قوی برای عمل به آن ایجاد می‌کند.

از ابی‌عبدالله سمان (روغن‌فروش) نیز نقل شده است که روزی هدیه‌ای برای امام صادق (علیه السلام) برد و به همراه حضرت از آن هدیه میل کردند و چون از خوردن دست کشید گفت: الحمدلله حضرت به او فرمود: «أَكَلَّ طَعَامَكَ الْأَبْرَارُ وَصَلَّتْ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ الْأَحْيَاءُ؛ طعامت را نیکان خورند و فرشته‌های خوب بر تو رحمت فرستند». (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۴۳۹)

در این سیره، برخورد محبت‌آمیز امام (علیه السلام) در قالب میل کردن از هدیه مرد روغن‌فروش و بیان جمله‌ای نیکو در رابطه با کار خوب او، انگیزه فرد را برای تکرار این رفتار صحیح اجتماعی یعنی محبت به دیگران و هدیه دادن تقویت می‌کند.

تقویت رفتار و کنش

کنش عبارت از «تمایلات فرد برای فعالیت می‌باشد و مربوط است به آن‌چه شخص انجام می‌دهد یا می‌خواهد که انجام دهد». (پورمقدس، ۱۳۶۷، ص ۱۱۴ و ۱۱۵) با این تعریف روشن شد که منظور از مؤلفه رفتاری، صرفاً تحقق خارجی رفتار نیست؛ بلکه آمادگی ذهنی برای انجام دادن یک رفتار است. (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۵۷)

اگر چه از یک سو هیچ رفتاری بدون پایه‌های شناختی و عاطفی محقق نمی‌شود، ولی از سوی دیگر چنین نیست که محقق شدن شناخت و عاطفه در رابطه با یک موضوع حتماً به رفتار منجر شود. از این رو، ایجاد و تقویت تمایلات رفتاری، یکی از پایه‌های اصلی در بحث تربیت است.

گاهی فرد آگاهی لازم را در رابطه با یک رفتار مطلوب دارد و انگیزه کافی نیز برای انجام دادن آن پیدا کرده است، اما به دلایلی هم‌چون عدم مهارت یا قرار نگرفتن در شرایط، به آن عمل اقدام نمی‌کند و به عبارتی، آمادگی ذهنی برای اقدام به عمل در او ایجاد نشده است. بنابراین برای

رسیدن به رفتار مطلوب، می‌بایست افزون بر مؤلفه‌های شناختی و عاطفی، ساحت کنشی را نیز در فرد تقویت نمود.

در سیره امام صادق (علیه السلام) شیوه‌های متعددی برای تقویت رفتار وجود دارد که در ادامه، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- آموزش عملی

در بحث ارائه و معرفی الگوهای شایسته به مرتبی بیان شد که مربی می‌بایست ابتدا خود، الگویی مناسب برای مرتبی باشد و آن‌چه را می‌خواهد به او آموزش دهد، به شکل عملی در رفتار خود در معرض دید او قرار دهد. این نوع یادگیری را که از طریق مشاهده رفتار حاصل می‌شود، یادگیری مشاهده‌ای یا یادگیری اجتماعی می‌نامند.

آموزش عملی، بهترین راهکار طبیعی و غیررسمی است که مربی عملاً آن را انجام می‌دهد. در این شیوه، بدون گفتار و آموزش رسمی، مرتبی از راه مشاهده رفتار مربی، چگونگی انجام یک رفتار را می‌آموزد. آموزش از این طریق، سریع و قابل فهم است؛ زیرا مصداق‌ها به صورت عینی و با جزئیات در برابر دیدگان مرتبی قرار دارد.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بَعْدَ اَلْسِتِّكُمْ؛ مردم را به غیر از زبان (با اعمالتان) به خیر دعوت کنید». (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۷۲) این روایت ناظر به همین شیوه تربیتی است؛ به این معنا که برای تحقق اهداف تربیت، تنها بیان اصول تربیتی کافی نیست؛ بلکه مربی می‌بایست خود به آن‌ها عمل کند تا مرتبی از نزدیک شاهد انجام رفتار باشد.

در بحث تربیت اجتماعی، امام صادق (علیه السلام) نیز به عنوان یک مربی، برای این که دیگران چگونگی روابط صحیح اجتماعی را بیاموزند، رفتار صحیح را عملاً به نمایش می‌گذاشتند و با ارائه الگوی عینی، راه را بر هرگونه توجیه و تأویلی می‌بستند؛ برای مثال، در رابطه با صبر و مدارا با مردم، یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) به نام مرزم نقل می‌کند: هنگامی که امام صادق (علیه السلام) در حیره از نزد منصور دوانیقی بیرون آمد و آزاد شد، همان ساعت از حیره حرکت کرد و هنوز سرشب بود که به منطقه صالحین رسید. در آن‌جا مأموری جلوی آن حضرت را گرفت و گفت: من نمی‌گذارم تو اکنون از این‌جا بگذری. حضرت اصرار کرد که اجازه عبور دهد، ولی او به سختی جلوگیری کرد و مانع از عبور شد. من و مصادف (یکی از اصحاب حضرت) همراه امام (علیه السلام)

بودیم. مصادف گفت: قربانت شوم! این مرد سگی است که شما را می‌آزارد و من ترس آن را دارم که شما را بازگرداند و نمی‌دانیم در آن وقت وضع شما با منصور چگونه خواهد بود (و دوباره با شما چه رفتاری خواهد کرد). من و مرازم در این جا همراه شما هستیم. آیا اجازه می‌دهید تا ما گردن این مرد را بزنییم و کشته‌اش را در نهر آب بیندازیم؟ حضرت فرمود: «ای مصادف! خودداری کن و آرام باش». حضرت هم‌چنان از آن مرد می‌خواست که آن‌ها را برای رفتن آزاد بگذارد و پیاپی از او درخواست می‌کرد تا این که بیشتر شب گذشت. در آن هنگام، مأمور اجازه داد و امام علیه السلام عبور کرد. (وقتی از آن جا گذشتیم) حضرت فرمود: «ای مرازم! این بهتر است یا آنچه تو گفتی؟» عرض کردم: قربانت گردم این بهتر است. امام علیه السلام فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ يَخْرُجُ مِنَ الدُّلِّ الصَّغِيرِ فَيَدْخُلُهُ ذَلِكَ فِي الدُّلِّ الْكَبِيرِ؛ چه بسا مردی [به جهت بی‌تابی و کم‌صبری] از یک ناراحتی ناچیز نجات یابد، ولی این نجات، او را گرفتار ناراحتی بزرگ‌تر کند». (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۸۷)

در این سیره مشاهده می‌شود که امام علیه السلام چگونه به یاران خود صبر در برابر دیگران و مدارا با آن‌ها را نشان، و عملاً به آن‌ها آموزش می‌دهد که صبر و خویش‌نهادی در برابر رفتار نادرست، راهی مؤثر جهت برقراری روابط و دستیابی به نتایج مورد نظر است.

نمونه دیگر، مربوط به سیره امام علیه السلام در آموزش اصل حمایت از محرومان به روش آموزش عملی است. معلی بن خنیس نقل می‌کند: در یک شب بارانی، امام صادق علیه السلام به طرف سایبان بنی‌ساعده حرکت کرد و من هم به دنبال آن حضرت به راه افتادم. در همین اثناء چیزی از دست آن حضرت بر زمین افتاد، پس فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ رُدَّ عَلَيْنَا؛ به نام خدا، خدایا! به من برگردان». راوی می‌گوید: من نزد حضرت پیش رفتم و سلام کردم، حضرت فرمود: «معلی! تویی؟!» عرض کردم: آری، فدایت شوم. فرمود: «با دستان خود بگرد! (چون شب بود و هوا تاریک، و بایستی با مالیدن دست به روی زمین به دنبال گمشده گشت) اگر چیزی پیدا کردی آن را به من بده». راوی گفت: جست‌وجو کردم تا نانی را که پخش شده بود پیدا کردم و هر چه می‌یافتم، به آن حضرت می‌دادم تا سرانجام کیسه‌ای که همراه امام علیه السلام بود، پر از نان شد. عرض کردم: فدایت شوم! اجازه بده تا من به جای شما کیسه نان را بردارم. فرمود: «نه! من به این کار سزاوارترم، ولی تو به همراه من بیا!». راوی گفت: به سایبان بنی‌ساعده که رسیدیم در آن جا جمعی را دیدیم که خوابیده بودند. حضرت شروع کرد (به تقسیم نان‌ها) در زیر لباس و یا بر

بالین هر يك از آن‌ها يك يا دو قرص نان گذاشت تا نفر آخر و بعد برگشتیم. من به حضرت عرض کردم: فدایت شوم! آیا این‌ها حق را می‌شناسند؟ (یعنی به خداوند و رسول خدا ﷺ و امامت شما ایمان دارند؟) فرمود: «لَوْ عَرَفُوا لَوَاسَيْنَاهُمْ بِالذَّقَةِ؛ چنان چه حق را می‌شناختند، ما نمک را نیز به آن‌ها می‌دادیم». (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۴)

چنان‌که مشاهده می‌شود امام علیؑ، معلی را همراه خود برد تا شاهد چگونگی رفتار امام علیؑ با نیازمندان باشد؛ زیرا مشاهده در اموری هم چون کمک به محرومان تأثیر بسیار زیادی در یادگیری رفتار اجتماعی صحیح دارد. فرد در ضمن مشاهده رفتار امام علیؑ، هم‌زمان چند نکته را می‌آموزد؛ این‌که به چه کسانی باید کمک کرد، نحوه کمک‌رسانی به چه شکل باشد، شرایط نامساعد مثل باران و تاریکی هوا مانعی برای کمک به نیازمندان نیست و این‌که میزان کمک را بنا به استحقاق افراد می‌توان افزایش داد.

۲- ایجاد موقعیت‌های تمرینی

در بحث تربیت، زمانی که مربی بینش و شناخت لازم نسبت به یک موضوع را برای فرد ایجاد کرد و انگیزه و گرایش کافی نیز در او به وجود آورد، می‌تواند با ایجاد یک موقعیت تمرینی و فراهم کردن زمینه برای انجام عمل توسط متربی، احتمال بروز رفتار را در او افزایش دهد.

امام صادق علیؑ با شیوه‌های مختلف، یاران خود را برای انجام رفتارهای مثبت اجتماعی تمرین می‌داد؛ برای مثال، صفوان جمال می‌گوید: خدمت امام صادق علیؑ نشسته بودم که مردی از اهل مکه به نام «میمون» وارد شد و از نداشتن کرایه شکایت کرد. حضرت به من فرمود: «برخیز و برادرت را یاری کن». من برخاستم و همراه او رفتم تا خدا کرایه او را فراهم ساخت. سپس به مکان خود برگشتم. امام صادق علیؑ فرمود: «برای حاجت برادرت چه کردی؟» عرض کردم: «پدر و مادر به قربانت! خدا آن را روا کرد.» حضرت فرمود: «أَمَا إِنَّكَ أَنْ تُعِينَ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَوَافِ أَسْبُوعٍ بِالْبَيْتِ مُبْتَدِئًا؛ همانا اگر برادر مسلمان را یاری کنی، بهتر است نزد من از این‌که یک هفته به خانه کعبه طواف آغاز کنی». (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۳۷۰)

گرچه حضرت می‌توانست خودش حاجت آن نیازمند را برطرف سازند، اما این کار را به یکی از افراد حاضر در جلسه می‌سپارد تا او در این موقعیت ایجاد شده، عملاً برای حل مشکل یک نیازمند تلاش کند.

نمونه دیگر از به‌کارگیری این روش توسط امام علیؑ مربوط به ابوجعفر خثعمی است که

می‌گوید: حضرت صادق علیه السلام کیسه زری به من داد و فرمود: «ادْفَعَهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ وَلَا تُعَلِّمُهُ أَنِّي أَعْطَيْتُكَ شَيْئاً؛ این کیسه را به فلانی از بنی هاشم بده و به او نگو من داده‌ام!» ختعمی می‌گوید: من بردم و به او دادم. آن شخص گفت: خدا به کسی که داده، خیر بدهد. هر سال آن قدر به من می‌دهد که تا سال دیگر ما را کافی است؛ ولی جعفر بن محمد با آن ثروتی که دارد، يك شاهی به ما نمی‌دهد. (ابن‌ابی‌فارس، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۸۲)

قرار گرفتن در چنین موقعیتی به طور حتم تأثیر زیادی روی فرد می‌گذارد و تجربه متفاوتی در رابطه با انفاق به او می‌دهد؛ به این معنا که شخص در می‌یابد انفاق به صورت ناشناس به قدری ارزش دارد که حتی با وجود چنین برخوردهای نادرستی، باز هم جا دارد که نام احسان‌کننده فاش نشود.

۳- نظارت و ارزیابی

اگر مربی به دادن اطلاعات در رابطه با یک موضوع و ایجاد انگیزه نسبت به آن اکتفا کند و پیگیری و نظارتی بر رفتار مربی نداشته باشد، نمی‌تواند به اهداف تربیتی خود دست یابد. زمانی که مربی، جدیت مربی را در تحقق اهداف تربیت مشاهده کند و بازخورد عمل خود را از جانب وی دریافت نماید، کنش و تمایلات رفتاری او تقویت خواهد شد.

آن چه از نظارت در این بحث مد نظر است، آگاهی یافتن مربی از رفتار مربی و نشان دادن بازخورد مناسب به آن می‌باشد؛ لذا این آگاهی چه به صورت مستقیم حاصل شود و چه مربی از راه‌های غیرمستقیم بر رفتار مربی اطلاع یابد، تحت عنوان نظارت قرار می‌گیرد.

در سیره تربیتی امام صادق علیه السلام مشاهده می‌شود که ایشان بر رفتارهای اجتماعی یاران و نوع برخوردش با دیگران نظارت داشت و اعمال ایشان را ارزیابی کرده و با نوع عکس‌العملی که از خود نشان می‌داد، آن‌ها را متوجه نتیجه این ارزیابی می‌نمودند. روشن است که نظارت ایشان با توجه به شرایط و محدودیت‌هایی که از جانب حکومت اعمال می‌شد، بیشتر به صورت غیرمستقیم بوده است.

اسحاق بن عمار نقل می‌کند: من در کوفه بودم و برادران دینی بسیاری به دیدن من می‌آمدند و من دوست نداشتم مشهور شوم؛ زیرا بیم داشتم از این که بفهمند من شیعه هستم. از این رو به غلام خود گفتم: هر کس آمد و مرا خواست، بگو او این‌جا نیست. در همان سال به حج خانه خدا رفتم و امام صادق علیه السلام را ملاقات نمودم. در چهره‌اش نسبت به خودم احساس ناراحتی و تندی

کردم. گفتم: فدایت شوم! چه چیز موجب خشم شما نسبت به من شده است؟ حضرت فرمود: «رفتاری که نسبت به برادران مؤمن خود داشته‌ای». گفتم: فدایت شوم! من فقط از این بیم داشتم که مشهور شوم و خدا می‌داند که چقدر آنان را دوست دارم. امام علیه السلام فرمود: «يَا إِسْحَاقُ لَا تَمَلَّ زِيَارَةَ إِخْوَانِكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ مَرْحَبًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مَرْحَبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ ای اسحاق! از دیدار برادرانت خسته نشو؛ زیرا مؤمن هر گاه برادر مؤمنش را دیدار کند و به او تحیت گوید، خداوند تا روز قیامت برای او تحیت و درود می‌نویسد...». (صدوق، ۱۴۰۶ق، ص ۱۴۶)

اما در مورد نظارت و ارزیابی مستقیم حضرت، می‌توان به این نمونه اشاره کرد:

یکی از پیروان امام علیه السلام نقل می‌کند: همراه شماری از دوستانم به عیادت یکی از شیعیان می‌رفتیم. میان راه امام صادق علیه السلام را دیدیم. ایشان پرسید: «به کجا می‌روید؟» گفتیم: به عیادت فلانی می‌رویم. حضرت فرمود: «بایستید! آیا قدری سیب، گلابی، بالنگ یا اندکی عطر و عود به همراه دارید؟» گفتیم: خیر. فرمود: «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْمَرِيضَ يَسْتَرِيحُ إِلَى كُلِّ مَا أُدْخِلَ بِهِ عَلَيْهِ؛ مگر نمی‌دانید بیمار از این که کسی هدیه‌ای برایش ببرد، شاد می‌شود؟». (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۳۶۲)

ملاحظه می‌شود که حضرت با نظارت بر نحوه عیادت رفتن یارانشان و ارائه رهنمود برای انجام هر چه بهتر آن، رفتار آن‌ها را در اجرای اصل اجتماعی برادری و مهرورزی تقویت می‌کند؛ به این معنا که با این نظارت و رهنمود، اقدام به عمل عیادت کردن در آن افراد تقویت گشته و در آینده به شکل صحیح و اصولی تکرار خواهد شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت تربیت اجتماعی در زندگی انسان، دست‌یابی به روشی مطمئن و کم‌خطا و در عین حال، جامع و کاربردی برای تحقق آن، جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. بدین منظور، از میان سیره معصومان علیهم السلام، به بررسی سیره تربیتی امام صادق علیه السلام در زمینه آموزش روابط صحیح اجتماعی پرداخته شد؛ زیرا با توجه به تحولات سیاسی ویژه‌ای که در زمان ایشان رخ داد و در پی آن، قدرت از خاندان بنی‌امیه به بنی‌عباس انتقال یافت، فرصتی استثنائی برای امام علیه السلام به وجود آمد تا در فضایی بازتر و ابعادی گسترده‌تر به فعالیت‌های تربیتی بپردازند.

روش‌های به‌دست آمده از سیره امام صادق علیه السلام با توجه به سه ساحت وجودی انسان یعنی، شناخت، عاطفه و رفتار عبارت‌اند از: تقویت بینش، تقویت گرایش و تقویت کنش. هر یک از این

روش‌ها، از طریق شیوه‌ها و فنونی قابل اجرا می‌باشند که در سیره امام علیه السلام نمونه‌های متعددی برای آن‌ها وجود دارد.

باید در نظر داشت از آن‌جا که ساحت‌های وجودی انسان از یکدیگر جدا نبوده و تأثیر و تأثر متقابل دارند، چنان‌چه مربی بخواهد به اهداف تربیتی خود دست یابد، می‌بایست از هر سه روش، یعنی تقویت بینش، تقویت گرایش و تقویت کُنش به صورت توأمان استفاده نماید؛ به این معنا که هم اطلاعات لازم را در خصوص رفتار مورد نظر در اختیار مربی قرار دهد و هم انگیزه او را به سمت رفتار مطلوب، تحریک کند و هم زمینه اقدام به عمل را در او فراهم سازد.

چنان‌که در این پژوهش ملاحظه شد، در راستای تقویت بینش، با توجه به شیوه‌های به دست آمده از سیره امام صادق علیه السلام می‌توان با آموزش معیارهای اصلی روابط صحیح اجتماعی، تبیین فلسفه رعایت آن‌ها و ایجاد بحث و گفت‌وگو درباره بایسته‌های رفتار اجتماعی، اطلاعات لازم را در اختیار افراد قرار داد. از طرفی با تحریک انگیزه‌های ایمانی، معرفی الگو از میان شخصیت‌های برجسته و مورد توجه افراد و نیز برخوردهای محبت‌آمیز هنگام بیان اصول روابط صحیح انسانی، به تقویت انگیزه و گرایش آن‌ها نسبت به انجام رفتارهای اجتماعی مناسب پرداخت. هم‌چنین در جهت تقویت کُنش افراد، با آموزش عملی و نیز ایجاد موقعیت‌های تمرینی برای او و در نهایت، نظارت بر چگونگی رفتارهای اجتماعی افراد و بیان ارزیابی خود نسبت به آن‌ها اقدام نمود.

باید خاطر نشان کرد نتایج این پژوهش می‌تواند برای هر فردی که قصد انجام تربیت اجتماعی دارد، اعم از والدین، معلمان مدارس، اساتید و حتی مبلغان دینی مفید و قابل استفاده باشد و از آن‌جا که در کنار هر شیوه‌ای که بیان شد، نمونه‌ای عینی و دقیق از نحوه اجرای آن توسط امام صادق علیه السلام وجود دارد، فهم روش و هدف به‌کارگیری آن برای مربیان آسان‌تر خواهد بود. نکته پایانی آن‌که، آن‌چه در این نوشتار به عنوان روش‌های تربیتی امام صادق علیه السلام جهت آموزش اصول روابط اجتماعی معرفی گردید، تلاش کوچک و محدودی بود که به طور حتم، با اعمال نظر کارشناسان و صاحب‌نظران، قابل اصلاح و تکمیل می‌باشد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم: دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳.
۲. ابن ابی فراس، وزام، *تنبيه الخواطر و نزهة الناظر*، چاپ اول: فقیه، قم، ۱۴۱۰ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرّم، *لسان العرب*، چاپ سوم: دار صادر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۴. آذربایجانی، مسعود و همکاران، *روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، چاپ دوم: انتشارات سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۵.
۵. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، چاپ دوم: دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۱.
۶. پارسا، محمد، *روانشناسی تربیتی*، چاپ چهارم: مهارت، تهران، ۱۳۷۶.
۷. پورمقدس، علی، *روانشناسی اجتماعی*، چاپ دوم: مشعل، اصفهان، ۱۳۶۷.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد، *تصنيف غررالحکم و درر الکلم*، چاپ اول: دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه (آل البیت)*، چاپ دوم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. حسینی زاده، سیدعلی، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ (تربیت فرزند)*، چاپ ششم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۶.
۱۱. داودی، محمد، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ (تربیت اخلاقی)*، چاپ اول: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۸۷.
۱۲. رزاقی، هادی، *نگرش و ایمان در تربیت دینی*، چاپ اول: مؤسسه امام خمینی، قم، ۱۳۸۷.
۱۳. رفیعی، بهروز، *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
۱۴. ریو، جان مارشال، *انگیزش و هیجان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ سوم: نشر ویرایش، تهران، ۱۳۸۰.
۱۵. زبیدی، سیدمرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، چاپ اول: دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
۱۶. صدوق، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، چاپ اول: دارالرضی، قم، ۱۴۰۶ق.
۱۷. _____، *عیون أخبار الرضا ﷺ*، چاپ اول: جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الاخلاق*، چاپ چهارم: شریف رضی، قم، ۱۳۷۰.
۱۹. _____، *مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار*، چاپ دوم: حیدریه، نجف، ۱۳۸۵ق.
۲۰. عمید، حسن، *فرهنگ عمید*، چاپ اول: امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۳.
۲۱. کریمی، یوسف، *نگرش و تغییر نگرش*، چاپ اول: مؤسسه نشر ویرایش، تهران، ۱۳۷۹.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، چاپ دوم: اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲.
۲۳. گروهی از نویسندگان (زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی)، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، چاپ دوم: مدرسه، تهران، ۱۳۹۱.
۲۴. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجمعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار ﷺ*، چاپ دوم: اسلامیه، تهران، ۱۳۶۳.
۲۵. مفید، محمد بن محمد، *الأمالی*، چاپ اول: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.
۲۶. مقدس نیا، محمد، *آداب معاشرت*، چاپ پنجم: زمزم هدایت، قم، ۱۳۸۷.
۲۷. نوری، حسین، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۸ق.

مجلات

۱. ایمانی، محسن، *تربیت اجتماعی*، فصلنامه تربیت، شماره ششم، سال سوم، اسفند ۶۶.